

# ارتباط فلسفه هایدگر با نازیسم

گزارش زیر را روز نامه آیندگان (به تاریخ سه شنبه ۲ اردیبهشت ۹۳) از بحث هایی که من در فضای مجازی مطرح کرده ام تهیه کرده است.

گزارشی درباره آنچه بر هایدگر در فضای فکری ایران می‌گذرد " هایدگر کانون کارزاری تازه این روزها انتشار دفاتر تازه‌ای از هایدگر خبرساز شده است سجاد صداقت

فلسفه غرب در ایران با چهره‌های گوناگونی شناخته شده است. اما در این میان تاثیر کسانی چون مارتین هایدگر را نمی‌توان فراموش کرد. هایدگر و فلسفه‌اش همواره در ایران محل تضارب آرای فیلسوفان و علاقه‌مندان به فلسفه بوده است؛ چه زمانی که هایدگری‌ها در ایران در مقابل طرفداران سنت کارل پوپر ایستادند و دو گانه پوپر- هایدگر به شکل چالش برانگیزی مطرح شد و چه امروز که فلسفه او از زاویه‌ای دیگر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. نکته مهمی که در روزهای اخیر درباره هایدگر به گوش می‌رسد چاپ یادداشت‌های او در آلمان است. از سوی دیگر علاقه‌مندان به فلسفه شاهد نقدهایی تند و گاهی بی‌رحمانه درباره هایدگر و فلسفه او در فضای مجازی بوده‌اند. همه این اتفاقات باعث شده دوباره هایدگر به صدر اخبار فلسفه در ایران بازگردد. دفترهای سیاه

یادداشت‌های مارتین هایدگر به تازگی در آلمان توسط انتشارات «ویتوریو کلوسترمان» چاپ شده است. «هایدگر» این یادداشت‌ها را از سال ۱۹۳۱ آغاز کرد و جمعاً ۳۳ دفتر پر کرده بود. یعنی حدوداً ۱۲۰۰ صفحه چاپی. یادداشت‌هایی که هایدگر آنها را در دفاتر مدرسه‌ای با جلد سیاه نوشته بود و به این دلیل به «دفترهای سیاه» مشهور و با این نام روانه بازار شده است. او در وصیت نامه‌اش حکم کرده بود که متون این دفاتر در انتهای مجموعه آثارش بیاید و آنها را به دو بخش «افکار» و «توضیحات» تقسیم کرده بود. از سوی دیگر جلد مفقودشده این دفاتر که مربوط به سال‌های

است نیز به تازگی پیدا شده است؛ جلدی که در آن همراهی نظرات 1945-1946 هایدگر با نظرات سیستم سیاسی «رایش سوم» بیش از گذشته به چشم می‌آید. این یادداشت از آن سو مهم به نظر می‌آید که همیشه این انتقاد بر «هایدگر» می‌رفت که «نه‌تنها در دوران دیکتاتوری «هیتلر» از آلمان نرفت و نه‌تنها در دانشگاه فعال ماند (در سال‌های ۱۹۳۴-۱۹۳۵ رئیس دانشگاه «فرایبورگ» بود)، بلکه رسماً هم از نظام حمایت کرد و با نظام همگام بود». از همان هنگام، بسیاری در دفاع و بسیاری دیگر در انتقاد از او برخاستند. اکنون این «دفاتر سیاه» به تمام شایعات پایان می‌دهد؛ کتابی که از این پس می‌تواند فصل تازه‌ای در انتقادات از هایدگر را شکل دهد.

## جنجال مجازی

یکی از مهم‌ترین اتفاقات درباره فلسفه و به‌طور ویژه فلسفه هایدگر را یدالله موقن، مترجم آثار فلسفی و به‌خصوص آثار ارنست کاسیرر رقم زد. موقن در طول هفته‌های گذشته چند یادداشت درباره فلسفه در فضای مجازی نگاشت و در آنها به شدیدترین شکل به فلسفه هایدگر حمله کرد. البته آغاز این بحث‌ها از مصاحبه او با روزنامه فرهیختگان در تاریخ ۲۴ فروردین و به مناسبت سالروز مرگ ارنست کاسیرر روی داد. آنجا که موقن در مصاحبه خود گفته بود: «بنده اکنون مشغول مطالعه آثار مارتین هایدگر هستم چون می‌خواهم کتابی درباره بحث هایدگر و ارنست کاسیرر بنویسم. بر اثر همین مطالعات دارم پی می‌برم که فلسفه هایدگر فاقد فانداسیون؛ یعنی فاقد یک اصل یا پایه فلسفی است. نه فقط فلسفه هایدگر، بلکه فلسفه کسانی چون میشل فوکو، ژاک دریدا و آنچه فیلسوفان پست مدرن نامیده می‌شوند، فاقد فانداسیون هستند؛ یعنی هیچ پایه و شالوده‌ای ندارند. گویی هدف هایدگر و پیروانش ایجاد سردرگمی و هر ج و مرج فکری و فرهنگی بوده است.» همین جملات کافی بود تا از مصاحبه‌ای که درباره کاسیرر شکل گرفته بود، نقدهایی درباره حرف‌هایی که موقن پیرامون هایدگر زده بود، درآید. به تدریج موقن سعی کرد درباره واکنش‌هایی که به حرف‌هایش رخ داده بود توضیحاتی را ارائه کند و در این باره نوشت: «چون آنچه در مصاحبه من درباره ارتباط فلسفه هایدگر با نازیسم آمده برای بعضی‌ها شگفتی‌آور است این مقاله را در اینجا می‌گذارم تا بعضی‌ها که با «ناباوری به ادعاهای من می‌نگرند دریابند که موضوع کاملاً جدی است»

دفترهای سیاه» و نقد فایه»

موقن در این یادداشت‌ها با اشاره به متنی آلمانی از مصاحبه ایمانوئل فایه «درباره دفترچه جلد مشکی- همان دفترهای سیاه و جلد مفقود آن-» می‌نویسد: «هایدگر وصیت کرده بوده این دفتر به‌عنوان آخرین مجلد مجموعه آثارش انتشار یابد؛ یعنی تاج سر مجموعه آثارش باشد. هیچ انسان جاهلی چنین حرف‌هایی در مورد همنوعش نمی‌گوید که این «بزرگترین فیلسوف پس از هگل» زده است. فایه فلسفه هایدگر را بیان فلسفی نازیسم می‌داند و آن را از آغاز تا پایان آغشته به نازیسم می‌شناسد.» چنین جملاتی باعث واکنش‌های زیادی به این دیدگاه موقن شد و به همین دلیل بود که او مقاله‌ای را از نیویورکر منتشر کرد که افشاگر سابقه نازی بودن پل دو من مروج عقاید دریدا در آمریکا بود.

نقد موقن به آشوری

یدالله موقن در ادامه مطالب خود پیرامون فلسفه هایدگر در مطلب دیگری ضمن معرفی دوباره ایمانوئل فایه نویسنده کتاب «هایدگر: ورود فلسفه به نازیسم» یا فلسفی کردن نازیسم به کتاب تازه‌ای که با ویراستاری او با عنوان «هایدگر، خاک، امت، نژاد» منتشر شده است، اشاره می‌کند و نقد تندی نسبت به دو نفر از روشنفکران ایرانی دارد: «روشنفکرانی مانند داریوش آشوری و آرامش دوستدار اینقدر سنگ هایدگر را به سینه نزنند. آیا دوستدار نفهمیده که هایدگر دشمن روشنگری و عقلانیت و علم است. اگر او «این موضوع را در نمی‌یابد چگونه انتظار دارد که عوام منورالفکر شوند؟»

اباطیل هایدگر

این جملات کوتاه و متن‌های آلمانی، انگلیسی و فرانسوی که موقن در صفحه خود قرار می‌داد باعث نشد انتقادات به مطالب او و دفاع از هایدگر ادامه پیدا نکند و به همین دلیل بود که این پژوهشگر به بحث درباره اندیشه هایدگر پرداخت. او در پاسخ به این سوال که بر فرض هایدگر نه تنها نازی بوده بلکه تفکر نازیسم را در فلسفه خود پرورش داده است، نتیجه‌ای که ما می‌گیریم این است که فلسفه او جواب صحیحی به سوال معروفش یعنی پرسش از معنای هستی نداده است. خب اگر بپذیریم او در هستی و زمان و دیگر کتبش به دنبال معنای هستی بوده است، حال جواب شما و همه کسانی که به بهانه نازی بودن به سادگی از کنار فلسفه و پرسش هایدگر می‌گذرند، چیست؟ چنین پاسخ گفت: «کسانی که تحصیلات علمی دارند فلسفه را رشته‌ای بیهوده می‌دانند. خود من چون تحصیلاتم در مقطع لیسانس فیزیک بوده است وقتی کتاب‌های هایدگر را می‌خوانم حیرت می‌کنم و از خود می‌پرسم مگر در قرن بیستم عصر اینشتاین و بوهر و ماکس بورن و هایزنبرگ می‌شود هنوز اباطیلی مانند سخنان هایدگر و لویناس و امثالهم گفت. « در همین مسیر بود که موقن از حمله به هایدگر به نقد هستی در دیدگاه او رسید و به‌طور کلی فلسفه و فیلسوفان را به نقد کشید و گفت: «استیون هاوکینگ که یکی از فیزیکدانان بزرگ است به درستی می‌گوید که دپارتمان‌هایی مانند فلسفه باید تعطیل شوند چون با پیدایش علم فیلسوفان حرفی برای گفتن ندارند. امروز سخن از بیگ بنگ است یعنی کیهان در یک انفجار بزرگ در کسری از ثانیه پا به عرصه هستی گذاشت. برای من هستی این است.» موقن ضمن اشاره به دستاوردهای علم هستی دیدگاه هایدگر و امثال او را اسطوره‌ای می‌خواند و می‌نویسد: «لویناس مقاله‌ای درباره دستاوردهای لوسین لوی-برول نگاشته است. در آنجا می‌گوید فلسفه معاصر ذیلی است بر لوی-برول و تاکید می‌کند که فلسفه او و هایدگر می‌خواهند ذهنیت ابتدایی را احیا کنند و باید افزود دریدا و «پست‌مدرنیست‌ها هم هدفشان همین است»

دفاع از فیزیک و کاربرد آن در فلسفه

اظهارنظری که موقن از هاوکینگ ارائه داد باعث نقدهای فراوانی شد. اما موقن در این‌باره نوشت: «خود فیلسوفان از کاسیرر گرفته تا هایدگر معترفند که روش پژوهش در علوم از فلسفه مستقل شده است و هر علمی روش پژوهشش را خود تعیین می‌کند. پس دست فلسفه از تعیین تکلیف برای علوم کوتاه شده است.» او در مرحله بعد به پاسخ این سوال که چرا بعضی از متفکران از علم و عقلانیت گریزان می‌شوند و در پی آمیختگی عرفانی بر می‌آیند، می‌پردازد و چنین رویکردی را در آثار هایدگر و دریدا مشهود می‌داند و می‌گوید: «ذهنیت هایدگر یک ذهنیت دینی یا عرفانی است. دینی بودن به معنی خداپرست بودن یا پیرو یکی از ادیان بودن نیست. کتاب‌هایی که اخیراً درباره هایدگر و دریدا خوانده‌ام می‌گویند که بر ذهن هایدگر آثار لوتر، کی‌پر که‌گور، توماس آکویناس، «مایستر اکهارت و حتی ذن بودیسم نیز اثر گذاشته‌اند»

دفاع از فلسفه

سیاوش جمادی یکی از مترجمان آثار فلسفی آلمان و به‌طور ویژه هایدگر در گفت‌وگو با فرهیختگان ضمن اشاره به این نکته که در طول ۵۰ سال اخیر در فلسفه غرب همه کتاب‌هایی که نام هایدگر و نسبت او با سیاست را داشته‌اند مورد توجه قرار گرفته، فلسفه

هایدگر را بنایی می‌داند که نمی‌توان آن را ضعیف خواند چون در میدانی از نزاع قوی‌ترین نیروهای فکری مطرح می‌شود و بر فیلسوفان بعدی تاثیرگذار است. جمادی به این نکته نیز اشاره می‌کند که هایدگر به‌طور ویژه‌ای دلبسته نازی‌هاست و حتی از آنها در سخنرانی‌های خود دفاع می‌کند. جمادی با اشاره به اینکه فلسفه هایدگر یک فلسفه خشن است به بیان این مطلب می‌پردازد که تفسیر هایدگر قدری پیچیده، تیره و البته با پشتوانه فکری است.

بحث‌های ناتمام

گویی دوگانه‌های تازه‌ای درباره فلسفه آلمانی در ایران در حال شکل‌گیری است. دوگانه‌ای که این بار فلسفه کاسیرر/هایدگر را در دو سوی منازعه قرار داده است و سایر فیلسوفانی نیز که از آنها تاثیر پذیرفته‌اند را به میانه کارزار می‌کشاند. روزهای "آتی قطعاً نمایان‌گر رویکردها و اظهارنظرهای تازه‌ای در این باب خواهد بود